

بازنمایی بدن و تحلیل کنش‌های بدنی ضدِ قهرمان در منظومهٔ حماسی کوش‌نامه

حامد مهرداد*

دانش‌جوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گرایش حماسی، دانش‌گاه فردوسی مشهد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۸

چکیده

بدن به صورت اجتماعی ساخته می‌شود، یعنی حاصل یک تبیین اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌رود. بنابراین، فنون بدنی انسان واقعیت‌هایی مرتبط با جامعه و فرهنگ هستند، نه طبیعتی زایشی یا زیستی که خود را به کنش‌گران تحمیل کنند. افزون بر این که در پیرامون مفهوم بدن، ترکیبی گسترده از وقایع اجتماعی و فرهنگی وجود دارد، ادراک نیز، پدیداری بدنی است نه رویدادی ذهنی و انسان در مقام فاعلی بدن‌مند در جهان ادراک می‌کند. بنابراین، ساختار ادراک، درست همان ساختار بدن است و خود جهان نیز در مقام میدانی برای آگاهی و عمل برای ما گشوده است. از این دیدگاه، خوانش متون حماسی که تن آدمی را مرکز توجه قرار می‌دهند و ریشه در آرمان‌های جمعی و ملی و منطق‌های فرهنگی دارند اهمیت پیدا می‌کند و در این میان، بررسی منظومهٔ حماسی کوش‌نامه با محوریت ضدِ قهرمانی آشوب‌گر و زشت‌روی که دارای ویژگی‌ها و کنش‌های بدنی متفاوت از قهرمانان حماسی فارسی است، حائز اهمیت است؛ به این منظور، نگارنده به تبیین و تحلیل کنش‌های بدنی در منظومهٔ حماسی کوش‌نامه پرداخته و نتایج حاصل از آن را با داده‌های نمادشناسی تطبیق داده است.

کلیدواژه‌ها: کنش بدنی، ادراک بدنی، جامعه‌شناسی بدن، کوش‌نامه، ضدِ قهرمان.

مقدمه

بدن همواره یکی از بحث‌های مطرح در تاریخ اندیشه‌های دینی، آرای فلسفی، علوم اجتماعی و انسانی بوده است. بنابراین، جای‌گاهی با ارزش برای رصد گفتمان‌های فرهنگی و اجتماعی خواهد بود. هم‌چنین «مفهوم بدن چنان با تعاریف ذهنی ما از هویت و خویشتن آمیخته است که معمولاً هنگامی که ناخودآگاه از خود سخن می‌گوییم کلیت ذهنی و جسمی خویش را به طور توأمان در نظر داریم؛ میزان خودآگاهی‌هایی که ما نسبت به بدن خود داریم و احساسی که با این خودآگاهی هم‌راه است در زمینه‌های اجتماعی مختلف متفاوت است» (اباذری و حمیدی، ۱۳۸۷: ۱۲۹).

تصور ما از بدن، یعنی این که بدن خود را چگونه درک می‌کنیم ممکن است بر توانایی ما در رابطه برقرار کردن با دیگران مؤثر بوده و بر پاسخ‌هایی که دیگران به ما می‌دهند تأثیر نهد. این تصویر که، نحوهٔ تجربه کردن بدن‌هایمان در زندگی روزمره را تحت تأثیر قرار می‌دهد صرفاً توسط آنچه بدن خود را شبیه به آن می‌پنداریم شکل نمی‌گیرد، بل که این زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی هستند که بر تفسیر ما از آنچه می‌بینیم اعمال قدرت می‌کنند. عمل درک این ایماژ فرآیندی برساختهٔ شرایط اجتماعی است (همان: ۱۳۰).

پیش از مطرح شدن علوم اجتماعی و انسانی، جای‌گاه این بحث بیش‌تر در اندیشهٔ دینی بود. در غالب ادیان، به بدن به مثابه چیزی مخالف روح و تعالی آن نگریسته می‌شود. نتیجهٔ این تقابل و دوگانگی این است که بدن و نیاز و خواسته‌های آن طرد می‌شود تا جایی برای روح و رشد و کمال آن باز شود. پس از پیدایش اندیشه‌های اجتماعی و فلسفی، این سخت‌گیری‌ها در اندیشه‌ها نیز دنبال شده است. در نگاه افلاطونی، زیبایی بدن مدخلی ندارد و آنچه مطرح است متافیزیک زیبایی است. هم‌چنین در تلقی زاهدانهٔ افلاطون از بدن، که خود نیز متأثر از دیدگاه سقراط بود، بدن به شکل یک نقیصه، مانع، اخلاص‌گر، مزاحم و سرانجام، مشوش‌کنندهٔ تمرکز قلمداد می‌شد که انسان را از حقیقت بازمی‌داشت (بزدخواستی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۲۳). این مباحث در اندیشهٔ صاحب‌نظران دیگری هم‌چون دکارت^۱ نیز دنبال می‌شود.

^۱ . Rene Descartes.



در نظریهٔ دکارت، ذهن و عین به دو بخش مجزا تقسیم می‌شود و سرانجام این تمایز چیزی نیست جز برتری ذهن بر عین. «در نزد دکارت و سنتی که از پی او رفت، بدن تنها آن قطعه از جهان فیزیکی است که از قضا مجاورت علی با نفس دارد که خود آخرین حلقهٔ زنجیره‌ای از علت‌ها و معلول‌هاست که به تجربهٔ ادراکی می‌انجامد. دوگانه‌انگاری دکارت متفاوت از دوگانه‌انگاری افلاطون است. دکارت تنها بعد از این که تمایز قاطعی میان داشتن نفس و داشتن حیات می‌گذارد، نفس را از بدن متمایز می‌کند اما به نزد افلاطون آنچه باعث می‌شد چیزی دارای حیات و مبدأ حرکات خودش باشد داشتن نفس است و هنگامی که نفس بدن را ترک می‌گوید، آن چیز حیات خود را از دست می‌دهد. در مقابل، دکارت بر این عقیده است که حیات پدیداری مکانیکی است و علی‌الاصول ربطی به داشتن نفس یا ذهن ندارد» (کارمن، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

در دوران معاصر نیز جامعه‌شناسان به مسألهٔ بدن بیش‌تر توجه کردند که از میان آن‌ها کسانی چون مرلوپونتی^۱ و میشل فوکو^۲ سهم به‌سزایی داشتند. فوکو نشان داد که بدن به ذات خود می‌تواند دارای تاریخ باشد. کار فوکو، گرایش مطالعات اجتماعی از داشتن نگاه زیستی صرف بر بدن را به سمت پذیرفتن بدن به‌مثابهٔ محصولی اجتماعی و تاریخی تغییر داد. اندیشهٔ محوری مرلوپونتی نیز بر این اصل استوار است که ادراک، پدیداری بدنی یا جسمانی است نه رویدادی ذهنی که در انتهای زنجیره‌ای از علت‌ها و معلول‌های فیزیکی حادث شود آن‌طور که دکارت تصور می‌کرد. به زعم او، بدن است که ادراک می‌کند نه ذهن (همان: ۴۸-۴۹). مرلوپونتی آن‌گاه که این ادعای هستی‌شناسانه را دربارهٔ آگاهی ادراکی و بدن طرح می‌کند نه در کار شرح نمودی سوژکتیو^۳ است و نه نظریه‌ای تجربی یا متافیزیکی دربارهٔ سرشت بنیادین واقعیت مطرح می‌کند. در عوض، «سر در کار توصیف، بیان گویا و روشن‌سازی نظرگاه شهودی متعارفی دارد که از آن‌جا خود را نه به هیأت عقولی مجرد یا سازوکارهایی فیزیکی بل که به صورت سوژه‌های بدن‌مند زنده درمی‌یابیم» (همان: ۱۸۹).

طرح مسأله، هدف و روش تحقیق: بنابر آنچه گذشت، بحث محوری جامعه‌شناسی بدن، این است که دریابیم مردم چگونه بدن‌های خود را تجربه می‌کنند و چگونه به بیان این تجارب می‌پردازند. این تجارب بدنی در منظومهٔ حماسی کوشش‌نامه با شالوده‌های

^۱. Maurice Merleau-Ponty.

^۲. Michel Foucault.

^۳. Subjective.

عمیق اساطیری و حماسی قابل تحلیل و بررسی است. باید توجه داشت که بین قهرمانان و ضد قهرمانان عرصه حماسه با آنچه که در سایر صورت‌های روایی مطرح است، تفاوت اساسی وجود دارد. این تفاوت‌ها خود حاصل شیوه نگرش حماسه به جهان است؛ نگرشی کلی، که در آن «شخصیت‌های مطرح در داستان‌های حماسی نمونه‌هایی کلی از سرگذشت و مظاهر کلی هستند که با داشتن خصایل نیک و بد انسانی، به دو گروه خدایی با همه خصایل پسندیده و گروه اهریمنی با همه رذالت‌ها و پلیدی‌ها تقسیم می‌شوند» (میرصادقی، ۱۳۶۶: ۳۸۹). این عرصه تقابل شخصیت‌ها و نقش‌آفرینی اندیشه‌ها و افکار، فرصتی است بی‌نظیر و می‌توان با مشاهده آن در تمام پیچیدگی‌ها و چنگدگانی‌هایش به بررسی و شکافتن لایه‌های مختلف آن پرداخت (یوسفی و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۰).

هم‌چنین، نگارنده بر آن است که نشان دهد کنش‌های ضد قهرمانی این منظومه با محوریت آشوب‌گری زشت‌روی و دارای ناهنجاری‌های جنسی و بدنی که از عقده حقارت ناشی از زشت‌رویی نیز رنج می‌برد، پیوندی ناگسستنی با کنش‌های بدنی وی و واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی هم‌پیوند با آن دارد و از همین روی، تنها از طریق تحمل ریاضت‌های سخت بدنی و توجه ناگزیر به جنبه‌های روحانی و اعمال تغییراتی در ظاهر و نگرش به بدن است که ضد قهرمان این منظومه را تا آستانه تبدیل شدن به قهرمان پیش می‌برد.

قهرمان، که آن را شخصیت اصلی نیز گفته‌اند «در اثر ادبی به فردی گفته می‌شود که در کانون توجه ما قرار می‌گیرد» (Abrams, 1971: 128) و «به‌صورت فردی تعریف شده است: قوی، بی‌پروا، شجاع و قادر به اعمال ماجراجویانه» (Cuddon, 2013: 329). در دیگرگرسو، «رقیب مهمی که در تضاد با قهرمان قرار می‌گیرد، همان ضد قهرمان است» (Abrams, 1971: 128)، ضد قهرمان، آنتی‌تز^۱ و متضاد قهرمان است (Cuddon, 2013: 41). با این اوصاف، کوش پیل‌دندان شخصیت منحصر به فرد منظومه‌های حماسی فارسی است که علاوه بر این که خویش‌کاری ضد قهرمانی را به دوش می‌کشد، ناخودآگاه «سفر قهرمانی» را نیز طی می‌کند؛ همان‌طور که ریچارد گریگ^۲ در کتاب زیستن در جهان روایت، اصطلاح سفر را در مفهومی استعاری به فرآیندی آفاقی و انفسی تعمیم می‌دهد، به این

^۱. Anti-Thesis.

^۲. Gerreg, R.J.



صورت که، ۱. کسی به نام مسافر، ۲. طی فرآیندی به نام سفر، ۳. و در نتیجه چند کنش معین، ۴. از جهان پیرامون خود، ۵. به جهانی دور از آن سفر می‌کند، ۶. و درحالی به جهان مبدأ بازمی‌گردد که چیزی در آن دگرگون شده است (gerrig, 1993: 10-11).

افزون بر کمبل^۱ که قهرمان را فردی می‌داند که «قادر باشد بر محدودیت‌های شخصی یا بومی‌اش فائق آید، از آن‌ها عبور کند و به اشکال مفید و معمولاً انسانی برسد» (کمبل، ۱۳۸۶: ۳۰)، اتو رنک^۲ نیز در بررسی حدود هفتاد قهرمان مختلف، عناصر اصلی تشکیل دهنده این کهن‌الگو را این‌چنین بیان می‌کند که «قهرمان، فرزند پدر و مادری بسیار ممتاز و معمولاً پسر شاه است (کوش‌نامه، ۱۳۷۷: ۲۰۲ و ۲۳۷)، معمولاً پیش از بسته‌شدن نافه‌اش مشکلاتی وجود داشته، (همان: ۲۰۲)، او را در محفظه‌ای به آب می‌سپارند یا در طبیعت رها می‌کنند (همان: ۲۰۳)، حیوانی یا فردی عادی او را نجات می‌دهد (همان)، وقتی بزرگ شد پدر و مادر ممتازش را پیدا می‌کند (همان: ۲۴۲)، خودش را به رسمیت می‌شناسد و سرانجام به مقام بالا و افتخارات بسیار دست می‌یابد» (Rank, 1959:65).

اینک، با در نظر گرفتن پیوند میان کنش‌های بدنی و خویش‌کاری‌های کوش پیل‌دندان و تحول او از ضدِ قهرمانی رویین‌تن که «به شمشیر و آتش نگردد تباه» به قهرمانی که از مرگ او سخنی در میان نیست، تحلیل و بازنمایی شاخصه‌های بدن‌اندیشی در این منظومه ضروری به نظر می‌رسد. از این روی، نگارنده، با روی‌کرد میان‌رشته‌ای و با استفاده از روش تحلیلی (تحلیل محتوا)، به واکاوی ابیات بدن‌مند منظومه حماسی کوش‌نامه و تحلیل پیوند میان تجربه‌های بدنی قهرمان، بسترهای فرهنگی سرایش اثر، و ناخودآگاه جمعی سراینده آن پرداخته است.

پیشینه، اهمیت و نوآوری تحقیق: مطالعات فرهنگی بدن، تأثیرات نظام‌های مختلف سیاسی و فرهنگی بر سیاست بدن، تغییرپذیری‌های آن بر حسب هویت‌های قومی، زبانی، نژاد، سیاسی و ایدئولوژیک و نیز گفتمان‌ها و بازنمایی‌های مربوط به این سیاست‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد. از این‌رو، توجه به مطالعات بدن در ایران برای شناخت تعارضات، تنش‌ها و شکاف‌های هویتی ضروری می‌نماید. کتاب «درآمدی بر تاریخ فرهنگی بدن در ایران» نوشته محمدسعید ذکایی و مریم امن‌پور، -که با روی‌کردی تاریخی، بدن‌مندی در ایران را در سه دوره اصلی امپراتوری، مشروطه و مدرن مورد بررسی قرار داده است- و نیز

^۱ . Joseph Campbell.

^۲ . Otto Rank.

مقاله «بدن به مثابه رسانه هویت» نوشته تقی آزاد ارمکی و حسن چاوشیان - که با نمونه‌گیری آماری از شهر تهران و با روی‌کرد جامعه‌شناختی به بررسی جنبه ارتباطی بدن پرداخته‌اند- از جمله اندک پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه‌اند؛ اما درحالی‌که از طرفی ضرورت مطالعات میان‌رشته‌ای ایجاب می‌نماید و از سویی آثار ادبی فارسی با ویژگی‌هایی چون تاریخی بودن و متن‌مند بودن، منابع کم‌نظیری جهت شناخت نظام‌های اجتماعی و فرهنگی‌اند، تا کنون پژوهشی در این زمینه انجام نگرفته است. با توجه به این‌که خوانش متون حماسی فارسی که نسبت به دیگر انواع ادبی تمرکزی بیش‌تر بر ویژگی‌های جسمانی دارند، از این دیدگاه، حائز اهمیت است، نخستین‌بار پژوهش حاضر به واکاوی و تحلیل ابیات بدن‌مند یک منظومه حماسی فارسی پرداخته است. از جمله دستاوردهای چنین پژوهشی، شناخت، تبیین و تحلیل گفتمان حاکم بر زمینه و زمانه سرایش اثر خواهد بود و بررسی موردی *کوش‌نامه*، نشان خواهد داد که این اثر محل برخورد و تصادم اندیشه بدنی با فرابدنی، نوع ادبی حماسی با عرفانی، و بازمانده‌های گفتمان حاکم دوره پیشاسلامی با گفتمان دینی پس از ورود اسلام است.

روایت داستان *کوش‌نامه*: *کوش‌نامه* شامل ۱۰۱۲۹ بیت و سرگذشت کوش پیل‌دندان، برادرزاده ضحاک است. او زمانی که پدرش قصد چین را می‌کند از زنی زیبا متولد می‌شود اما به سبب زشت‌روی، او را رها می‌کنند. آبتین او را نزد خود بزرگ می‌کند. در جنگی میان آبتین و کوش او پسرش کوش پیل‌دندان را باز می‌شناسد. آبتین به ماچین پناهنده شده و کوش، پسرش پیل‌دندان را شاه چین می‌کند. پیل‌دندان بی‌دادگری و ستم آغاز می‌کند و بت‌پرستی را بنا می‌نهد. فریدون قدرت می‌گیرد و با او می‌جنگد. ضحاک و کوش پیل‌دندان هر دو اسیر و در دماوند زندانی می‌شوند. چهل سال بعد، فریدون او را برای یاری در دفع آشوب سیاهان نوبی آزاد می‌کند. او اگرچه تا آندلس برای ایران پیشروی می‌کند اما ناگهان از راه برمی‌گردد و ایرانیان سپاهش را به بند می‌کشد و دوباره در گوشه‌ای دیگر به بی‌دادگری مشغول می‌شود و ادعای خدایی می‌کند. روزی در شکارگاه در پی آهویی تیزتگ می‌رود و در بیشه‌ای گم می‌شود. پس از روزها سرگردانی به کاخی می‌رسد و از پیری فرزانه طلب کمک می‌کند. پیر به او پندها می‌آموزد و روی زشت او را زیبا می‌کند. کوش خوی گرگی خود را رها می‌سازد و به جای‌گاه خود بازمی‌گردد و مردمان را به خداپرستی دعوت می‌کند. از پایان زندگی وی در *کوش‌نامه* سخنی در میان نیست.



۱- شاخصه‌های بدن‌اندیشی و کنش‌های بدنی در کوش‌نامه

۱-۱- مراقبت‌های بدنی

منظور از مراقبت‌های بدنی، رفتارهایی‌اند که نشانه‌ی توجه کردن به سلامت جسمانی و اهمیت دادن به نیازهای فیزیولوژی بدن باشد؛ به‌طور ویژه در متون حماسی، رفتارهایی که در راستای هرچه بهتر انجام دادن خویش‌کاری‌های پهلوانان مؤثر است.

۱-۱-۱- پزشکی و درمان:

مفهوم سلامت در فرهنگ‌های مختلف بار معنایی وسیع و گسترده‌ای دارد که هر دو بعد عین و ذهن و نیز، جسم و روح را در برمی‌گیرد، با این وجود، «سلامت و بیماری از جمله مفاهیم اساسی در فلسفه پزشکی محسوب می‌شوند که چگونگی تعریف هریک از آن‌ها مشخص‌کننده‌ی روی‌کرد ما نسبت به بدن سالم و بدن بیمار و هم‌چنین جهت‌گیری ما در پرداختن به امر سلامت و مواجهه با بیماری و نقصان جسمانی خواهد بود» (ذکایی و امن‌پور، ۱۳۹۱: ۳۱۵).

هم‌چنین، پیش‌داوری‌های ارزشی و فرهنگی افراد و جوامع در این زمینه، نقشی تعیین‌کننده دارد؛ چراکه «سلامت و بیماری مفاهیمی ذاتاً مسبوق به ارزش‌اند و تصمیم درباره‌ی حالات بدن یا روان، مستلزم آن است که چه چیزی مطلوب یا نامطلوب، مفید یا بی‌فایده، خوب یا بد است. اگر ارزش‌ها، یعنی آن چیزهایی که مستلزم خوبی و بدی، درست و نادرست هستند، نقشی تعیین‌کننده در تبیین مفاهیم سلامتی و بیماری داشته باشند، آن‌گاه به‌نظر می‌رسد که بیماری‌ها مقولاتی هستند که انسان‌ها آن‌ها را تعریف کرده‌اند و امری اعتباری‌اند؛ در این صورت، سیاست و ایدئولوژی نیز در تعیین این تعاریف دخالت خواهند داشت» (همتی‌مقدم، ۱۳۸۵: ۳۵۰).

در جوامع کهن، اغلب میان دانش پزشکی و درمان‌گری توسط جادو و تشخیص بیماری بر پایه‌ی خرافه، مرز روشنی وجود ندارد. این مسأله در کوش‌نامه نیز نموده پیدا کرده است، آن‌جا که روییدن مارهای روی دوش ضحاک حاصل پرخوری اوست:

شنیدم که ضحاک چندان بخورد که آمد سر هردو کتفش به درد
شکیبا نبودی ز گوشت شکار برآمد سر کتف او چون دو مار
(کوش‌نامه، ۱۳۷۷: ۳۰۲)

و پس از آن‌که «پزشکان جادوی دست‌آزمای» (همان: ۳۰۳) از کار درمان او خیره می‌مانند، تنها پزشکی از هند - سرزمین جادوستان - است «که داند همی چاره‌ی درد شاه».

پیر فرزانه نیز - گویی چون جراح زیبایی - از چهره کوش زشتی می‌سترد:
 دو دندان و دو گوش او تازه کرد به سوهان و دارو به اندازه کرد
 (همان: ۶۶۹)

۱-۱-۲- خواب و خوراک:

اهمیت و جای‌گاه تغذیه و خواب مناسب در متون حماسی به‌ویژه در شاهنامه و در خویش‌کاری قهرمان محوری آن، رستم، به وضوح مشاهده می‌شود؛ اما کارکرد تغذیه و رژیم غذایی در منظومه کوش‌نامه قابل توجه است: ضحاک با افراط در خوردن گوشت شکار گرفتار مارهای روی دوشش می‌گردد، درمان آن پرهیز از خوردن گوشت است، کوش پیل‌دندان هم تنها پس از تحمل ریاضت غذایی و به‌سیله رژیم غذایی پیر فرزانه موفق به ترک خوی بد خود می‌شود:

جز از میوه چیزی ندادش خورش ازو دور شد توش آن پرورش
 (همان)

۱-۲- تابوها و ناهنجاری‌های بدنی

هنجارهای اجتماعی، شیوه‌های رفتاری معینی‌اند که در جامعه متداول است. هر فردی که در جامعه زندگی می‌کند، آن‌را می‌آموزد، به‌کار می‌بندد و انتظار دارد دیگر افراد جامعه نیز آن‌را انجام دهند. بنابراین هنجارها و رفتارها، قاعده، معیار و میزانی است که با آن، رفتار اجتماعی افراد در جامعه سنجیده شود. با این تعریف، در این مقاله، منظور از ناهنجاری‌های بدنی آن دسته از رفتارهای اجتماعی و در ارتباط با موضوع بدن‌اند که در بستر جامعه به دلایل فرهنگی و اجتماعی جزء مسائل ممنوعه محسوب می‌شوند و بسته به گفتمان حاکم (عرف، مذهب، سیاست، ...) با عناوینی از جمله گناه، تابو، فعل حرام و غیره شناخته می‌شوند.

۱-۲-۱- سقط جنین:

سابقه تاریخی سقط جنین به زمان‌های بسیار دور، در میان اقوام کهن برمی‌گردد؛ به گونه‌ای که می‌توان رده‌هایی از آن‌را در تمدن‌های مختلفی چون چین، مصر باستان و امپراطوری روم باستان یافت. سقط جنین از جمله مسائلی است که از دیرباز در جوامع بشری مطرح بوده و یکی از موضوعات اساسی نظام حقوق کیفری را تشکیل داده است؛ به‌طوری که در قانون حمورابی که قدیمی‌ترین و کامل‌ترین قوانین مربوط به حدود ۴۰۰۰ سال پیش است، از سقط جنین نام برده شده و برای آن مجازات تعیین شده است



(نجفی ابرندآبادی و بادام‌چی، ۱۳۸۳: ۸۴). چندین مورد سقط جنین در کوش‌نامه به چشم

می‌خورد. کوش پیل‌دندان با دختران زیباروی هم‌بستری می‌کند، اما:

هر آن‌کس کزو بار برداشتی همی تا نکشتیش نگذاشتیش
زن از بیم تیغ بداندیش‌شاه همی در شکم بچه کردی تباه
(کوش‌نامه، ۱۳۷۷: ۵۰۱)

۱-۲-۲- شاهدبازی:

کوش علاوه بر آزار جنسی دختران زیباروی، از آمیزش با مردان و شاهدان نیز ابایی

ندارد:

زنان را سوی بستر خویش برد همان کودکان را بر خویش برد
(همان: ۴۰۲)

اما اگر این گمان پیش بیاید که شاهدبازی در برخی مقاطع از تاریخ وجهه چندان بدی نداشته است، سرنوشت کوش پیل‌دندان در پایان داستان و پشیمانی او از انجام این عمل و پرهیز وی از ارتکاب این گناه در زمانی که دچار تحول اخلاقی شده است، این گمان را باطل می‌کند:

به چیز کسان درنیاویختی نه با کودک و با زن آمیختی
(همان: ۶۸۶)

۱-۲-۳- شکنجه:

در روایت‌های رزمی و متون حماسی موارد گوناگونی از روش‌های انتقام و تنبیه و شکنجه به چشم می‌خورد، اما شکنجه با بدن مرده معشوق در کم‌تر متنی روایت شده است. آویختن سر بریده معشوق از گردن عاشق:

سرش هم‌چنان چون سر گوسفند بریدند در پیش تخت بلند
درآویخت از گردن ماه‌چهر همی بوس گفت، این لبان را به مهر
اگر سر برون آید از گردنت جز آن‌گه که یابند مرده تنت
(همان: ۴۰۹)

در بخش پایانی مقاله حاضر، طی بحثی با عنوان بررسی نمادشناسانه اعضای بدن، پیرامون اهمیت سر و نمادشناسی آن بحث خواهد شد.

۱-۲-۴- پرخوری (عادات غذایی نامناسب):

نقش محوری تغذیه و خوراک‌درمانی در منظومه کوش‌نامه و تأکید بر آثار سوء عدم رعایت آن، خواننده را مجاب خواهد کرد که در این منظومه حماسی، پرخوری و به‌ویژه افراط در مصرف گوشت، از جمله ناهنجاری‌هاست. علاوه بر تبعات جسمانی، که روییدن

مار بر دوش ضحاک و زشت‌روی کوش حاصل آن دانسته شده است، حتا به‌طور کنایه‌آمیز، آثار سوء روحی و روانی و اخلاقی نیز به نوع تغذیه داده می‌شود:
 نه من شیر سگ خوردم و گوشت گرگ که گردن بپیچم ز شاه بزرگ
 (همان: ۵۳۹)

۱-۳- تنظیم‌های بدنی

منظور از تنظیم‌های بدنی، اعمال تغییرات در روند طبیعی کارکرد بدن است و درواقع دست‌کاری و دخالت عمدی انسان در کار طبیعی سیستم بدن محسوب می‌شود. این تغییرات ممکن است در آداب و عادات بدنی صورت بگیرد یا تغییر در ظاهر بدن باشد یا حتا هم‌چون مصرف مواد مخدر یا سکرآور به قصد تغییر در سیستم اعصاب و در جهت تن‌آسایی انجام گیرد.

۱-۳-۱- تغییر چهره:

پس از آن‌که پیر فرزانه، کوش را دچار تحول روحانی می‌کند، پیل‌دندان خواستار دگرگونی جسمانی و تغییر چهره زشت خویش می‌گردد، پس «آن پیر دانا به نیرنگ و رای» (کوش‌نامه، ۱۳۷۷: ۶۶۹) خواسته او را اجابت می‌کند.

۱-۳-۲- شراب‌نوشی:

هم‌چون سایر آثار حماسی، قهرمانان و شاهان کوش‌نامه نیز به مناسبت‌های مختلف به شادخواری و می‌گساری می‌پردازند: برای شکست غم‌ها، پس از پیروزی‌ها، در هنگام شادی و جشن، در بحبوحه جنگ، در مهمانی و در خلوت. در این بین، سراینده، در جای‌جای متن به فراخور مطلب، نظر منفی خود نسبت به شراب‌نوشی و آثار مخرب آن‌را یادآور می‌شود:

سوی جام و بگماز یازید دست ستم‌کاره‌تر گشت و هشیار مست
 بگشت از ره داد و راه خرد نشد سیر از آیین و کردار بد
 (همان: ۴۱۲)

۱-۳-۳- رژیم غذایی:

همان‌طور که پیش از این نیز ذکر شد، تغذیه نقشی محوری در کوش‌نامه دارد. درمان ضحاک به‌وسیله کنترل غذایی و بهبود زشت‌روی کوش با اعمال ریاضت غذایی از این جمله‌اند:

تن کوش باریک شد مستمند بیفتاد بیمار، خوار و نژند



چنان دان که برداشت از جان امید تنش گشت لرزان چو از باد بید
(همان: ۶۶۹)

۱-۴- نشانه‌های بدنی

نشانه‌های روی بدن که ممکن است عمداً توسط خود فرد ایجاد شده باشد، یا غیرعمدی از قبیل جای زخم باشد و یا نشانه‌های طبیعی مادرزادی باشد، به‌ویژه در چهره، بر کنش‌های اجتماعی فرد تاثیر خواهد گذاشت. علاوه بر این، در اغلب متونی که از کهن‌الگوی کودک رها شده پیروی می‌کنند، نشانه‌های خاص بدنی نقش مهمی ایفا خواهند کرد. کوش‌نامه از جمله این متون است:

۱-۴-۱- نشانه‌های طبیعی:

کوش، کودک رها شده است. اما پدرش به واسطه نشانه‌ای بر روی کتف راستش، او را بازمی‌شناسد:

چنان داد پاسخ که بر کتف راست نشانی‌ست کافزون نیاید نه کاست
یکی مهر هم‌چون نگینی سیاه نشانی دگر زین فزون‌تر مخواه
(همان: ۲۳۳)

۱-۴-۲- نشانه‌های غیرطبیعی:

مشخصه بارز ظاهری کوش، چهره زشت اوست؛ اما این زشت‌رویی غیرعادی، از او چیزی شبیه عجایب‌المخلوقات ساخته و در ردیف موجودات اهریمنی قرار داده است:
جز آن نیست کش روی زشت است سخت دو دوندان پیشین به‌سان درخت
دو گوشش همانند دو گوش پیل درازا و په‌نا، و دیده چو نیل
(همان: ۲۹۵)

۱-۵- ناتوانی یا حقارت بدنی

آدرلر^۱ معتقد است احساس حقارت، منبع همه تلاش‌های انسان است. عقده حقارت از سه منبع برای کودک ناشی می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها حقارت عضوی است. در حقارت عضوی، آدرلر معتقد است که اعضا یا اجزای ناقص بدن از طریق تلاش‌های فرد برای جبران کردن آن ضعف، شخصیت را شکل می‌دهند (آدرلر، ۱۳۷۰: ۵۳-۵۵).

^۱. Alfred Adler.

۱-۵-۱- زشت‌رویی:

حقارت بدنی در کوش‌نامه، در شخصیت کوش پیل‌دندان بروز پیدا می‌کند. او آن‌چنان زشت‌روی است که از پدر و مادر طرد می‌شود و آبتین در پرورش او تردید می‌کند، چهره او را اهریمنی توصیف می‌کنند و در میدان نبرد از او گریزانند؛ این موضوع در کنش‌های قهرمان داستان تأثیری مستقیم دارد، چراکه «چهره هم‌چون اندام جنسی، جای‌گاهی است که بیش‌ترین حساسیت نسبت به آن وجود دارد و بیش‌ترین هم‌بستگی را با «من» دارد. در بسیاری از سنت‌ها چهره انسان به‌سان آئینه روح است. بدن از طریق چهره راه به سوی معنویت و نجابت خود می‌برده است. ارزشی در آن واحد اجتماعی و فردی، چهره را از دیگر نقاط بدن جدا می‌کند و برجستگی‌اش در دریافت هویت به شکلی است که گویی تمام موجودیت فرد در چهره متمرکز شده است» (بروتون، ۱۳۹۲: ۱۰۴).

۱-۶- مهارت‌های بدنی

فنون بدن بسیاریند و از روش‌های راه رفتن تا حالت‌های خوابیدن و فنون شکار را در برمی‌گیرند. «یکی از حوزه‌های فنون بدن، خاص افرادی است که مهارت‌های خود را پرورش داده‌اند تا در زمینه‌ای خاص ارائه دهند» (بروتون، ۱۳۹۲: ۶۳).

۱-۶-۱- شکار:

شکارکردن و نخچیر در متون حماسی و حتا غیرحماسی نقشی پررنگ دارد و قهرمان داستان‌های حماسی شکارچی زبردستی است؛ اما حضور صحنه‌های شکار در کوش‌نامه از لونی دیگر است و با زندگی کوش پیل‌دندان گره خورده است: آبتین در هنگام شکار، کوش پیل‌دندان را در صحرا می‌یابد و از کودکی او را پرورش می‌دهد، هم‌چنین کوش در هنگام شکار و در پی آهوپی در بیشه راه گم می‌کند و در نهایت منجر به آشنایی او با پیر فرزانه می‌گردد. پیل‌دندان در شکار بسیار ماهر است. او در کودکی، فراگیری فنون شکار را به فراگیری دانش و فرهنگ ترجیح داده است:

چو کودک ز ده‌ساله برتر گذشت به تیر و کمان کرد آهنگ دشت
 ز نخچیر و دام و دد و هرچه دید پیاده دوان اندر ایشان رسید
 (کوش‌نامه، ۱۳۷۷: ۲۰۴)

۱-۶-۲- چوگان:

«فعالیت‌های فیزیکی و ورزشی یکی دیگر از راه‌هایی هستند که فنون بدن را عرضه می‌کنند» (بروتون، ۱۳۹۲: ۶۴). در متون حماسی، در هنگام جشن‌ها و مهمانی‌ها، گوی‌زدن



رواج دارد و پهلوانان توانایی خود را در سواری و قدرت گوی زدن به نمایش می‌گذارند. گوی زدن آبتین با طیهورشاه در منظومه کوش‌نامه از مجالس باشکوه است که منجر به جلب توجه فرارنگ و ازدواج او با آبتین می‌گردد:

ز چوگان چنان داد پرتاب گوی که نیز آبتین را ندیدند روی
چنان گوی بر چرخ پرواز کرد که با ماه گفتی همی راز کرد
(همان: ۳۳۳)

۱-۶-۳- جنگندگی و قدرت بدنی:

پرورش مهارت‌های جنگی از جمله مهارت در سوارکاری، تیرانداختن، سپرگرفتن، شمشیرزدن، خنجرگذاشتن و نیزه پرتاب کردن و نیز افزایش قدرت بدنی از ملزومات همیشگی پهلوان حماسی‌اند. کوش پیل‌دندان از کودکی به پرورش این مهارت‌ها اقدام می‌کند:

ز تیرش نشد مرغ پیران رها ز تیغش نیامد رها اژدها
همی گشت ازین گونه چرخ بلند نشد کوش سیر از کمان و کمند
به کار سواری همی برد رنج چو سالش برافزون شد از سی‌وپنج
(همان: ۲۰۴)

۱-۷-۱- ایدئولوژی بدنی (بدن ایدئولوژیک)

بدن ایدئولوژیک، آن دسته از رفتارها، آیین‌ها و اعتقاداتی هستند که از خلال بدن‌مندی صورت می‌پذیرند و با تأمل در آن‌ها می‌توان به جهان‌بینی و باورهای کنش‌گران آن‌ها پی برد؛ از مفاهیم عرفانی، هم‌چون اعتقاد به وجود دیوهای ده‌گانه در بدن انسان، تا مضامین اسطوره‌ای و کهن‌الگویی، هم‌چون روییدن مار از دو کتف ضحاک در کوش‌نامه ذکر شده است که حامل پیام‌های ایدئولوژیک‌اند، زیرا «مار یکی از مهره‌دارانی است که تجسد روان پست‌تر، روانی تاریک و ظلمانی است و در توصیفش می‌توان گفت: نادر، ناشناخته و مرموز. اژدها نیز نماد شر و گرایش‌های شیطانی است و در واقع به عنوان نمادی شیطانی با مار هم‌سان می‌شود» (شوالیه و گربران، ۱۳۸۷: ۵/ ۵۸)؛ و در ضمن این موارد، سراینده برخی از آداب و اعتقادات اسلامی را نیز در لابه‌لای داستان - برای مردمی که قرن‌ها پیش از اسلام می‌زیسته‌اند- آورده است:

۱-۷-۱- وضو گرفتن:

بگفت این و کرد آن‌گهی آبدست بشد پیش یزدان به زانو نشست
(کوش‌نامه، ۱۳۷۷: ۱۹۹)

۱-۷-۲- شستن مرده و نماز خواندن بر وی:

بشستند و کردند بر وی نماز در خانه تنگ کردند باز
(همان)

۱-۷-۳- شستن مرده و کفن کردن:

بشست و بیچیدش اندر کفن پر از مشک کردش دو گوش و دهن
بدو جامه گونه‌گون برکشید دگرپاره او را بدان‌سان بدید
(همان: ۴۱۰)

۱-۸- تقابل‌های بدنی

منظور از تقابل‌های بدنی، دوگانه‌هایی‌اند که تقابل آن‌ها با یک‌دیگر در فرهنگ‌های مختلف وجود دارد، اما ترجیح و برتری هر یک، یا رعایت تعادل و مساوات میان آن‌ها، نشان‌گر باورها، گفتمان حاکم و جهان‌بینی هر فرهنگی است. از جمله تقابل‌های بدنی قابل بحث در *کوش‌نامه* به شرح زیر است:

۱-۸-۱- تقابل بدن مرد و زن (بدن جنسیتی):

برتری بدن مرد نسبت به زن و همچنین نگاه جنسی به زن در *کوش‌نامه* غیر قابل انکار است. با این وجود تمایزی میان ضحاکیان و جمشیدیان در نگاه به زن وجود دارد. اهدا کردن زنان زیبا، عاشق شدن بر دختر خویش، به قتل رساندن زنانی که از کوش باردار شوند، تماشای مراسم دور از مردان و از پشت بام خانه‌ها، کشته شدن مادر به دلیل زادن فرزند زشت‌روی از جمله رفتارهای ضحاکیان نسبت به زنان است:

که زن را به شوی است آرام و جاه چو بی‌شوی باشد کند زن گناه
(همان: ۴۰۸)

و اما ایرانیان و نژاد جمشید: مشورت با زن، زنه‌ار دادن به جان کوش به واسطه‌گری هم‌سر آبتین، به جای آوردن مراسم خواستگاری جهت هم‌سرگزینی و محفوظ بودن حق انتخاب هم‌سر برای زن از جمله آداب فرزندان جمشید است.

۱-۸-۲- تقابل بدن شاه و مردم عادی (بدن طبقاتی):

«در جامعه‌ای که شاه فره‌مند بر آن حکم می‌راند او در نوک هرم قدرت و سلسله مراتب از بالا به پایین است و به توده‌های مردم ختم می‌شود. آن‌ها ابزاری هستند در خدمت آن «غیر بزرگ»؛ غیر، به این دلیل که شاه گرچه به اعتقاد آن‌ها تجسم اراده مردم است اما بدن جسمی و بدن سیاسی‌اش با بدن‌های مردم تفاوت دارد» (اخوت، ۱۳۸۸: ۲۶).



بدن شاه، آن چنان دور از دسترس و بلندمرتبه است که حتا برای ادای احترام و بوسه بر او کسی حق لمس کردن وی را ندارد. بوسه بر پایهٔ تخت و زمین زیر پای او و سم اسب او جایز است؛ حتا با تغییر در روایت ضحاک در شاهنامه، ابلیس هم بر شانه‌های او بوسه نمی‌زند، بل که مارهای روی دوش ضحاک از پرخوری بر کتف او می‌رویند.

۱-۸-۳- تقابل تن و روان:

جسم و نیازهای جسمانی در *کوش‌نامه* بسیار مورد توجه قرار دارند، اما هنگامی که تقابل جسم و جان در میان باشد به علت جاودانگی جان و موقتی بودن جسم، کفهٔ ترازو به نفع جان سنگینی می‌کند:

تو چندان به کاخ اندری کدخدای کجا با تو دارد روان تو پای
چو جان گرامی رها شد ز تنگ نیایی به کاخ خود اندر درنگ
(کوش‌نامه، ۱۳۷۷: ۱۴۸)

با این وجود در سراسر منظومه، تن و روان در کنار یک‌دیگر و لازم و ملزوم هم‌اند؛ گویی قهرمان داستان حماسی، سیر و سلوکی عرفانی را آغاز کرده است و در پایان به تعالی روح می‌رسد و جانش زیبا می‌شود، اما باز دغدغهٔ روی زیبا وجود دارد:

نشان بد از روی تو بی‌گزند کنم دور از آن‌سان که داری پسند
روان و دلت نیز روشن کنم خرد بر تن تو چو جوشن کنم
چو بگشایی از دل دو بیننده را نمایم به تو آفریننده را
(همان: ۶۶۸)

۱-۸-۴- تقابل بدن خود و بدن دیگری (خودشیفتگی):

پیل‌دندان خود را برتر از مردمان می‌داند و بارها دعوی خدایی می‌کند که «پروردگار این جهان را منم»؛ اما این خودبرتربینی به دعوی ختم نمی‌شود بل که در هر شهری از تن خود بت ساخته و مردم را به پرستش آن وامی‌دارد:

بتی ساخت بَلّور بر چهر خویش نهاد اندر آن گنبد از مهر خویش
(همان: ۶۸۳)

۱-۸-۵- تقابل بدن قوم خود و قوم دیگری (نژادگرایی):

سراسر *کوش‌نامه* تقابل میان نژاد جمشید و نژاد ضحاک است. «بدن همان‌گونه که جای‌گاهی برای ارزش‌هاست، مکانی است برای خیال‌پردازی‌ها و تعلق خاطرهای بی‌پایه که باید منطق اجتماعی آن‌ها را درک کرد. نژادگرایی از جمله بر پایهٔ رابطه‌ای خیال‌پردازانه با بدن تکیه می‌زند و بر پایه‌هایی شورانگیز ریشه دارد که زندگی جمعی را

تغذیه می‌کند و به پروژدهای آن، انگیزه‌هایش، بردباری‌ها و خشونت‌هایش دامن می‌زند. احساس‌های فروخورده، سرکوب‌ها و محرومیت‌ها و تسلیم‌هایی که افراد در زندگی از آن‌ها رنج برده‌اند، از این طریق راهی برای رهایی از خود می‌یابند، زیرا نژادگرایی امکان می‌دهد نفرت‌های پنهان در اشکال مختلف بیرون بریزند. نژادگرایی از خلال نوعی خیال‌پردازی نسبت به بدن عمل می‌کند. نژاد، موجودی هیولایی است که در تخیل فرد نژادپرست از تمام اعضای تشکیل دهنده‌اش ساخته شده است و مدام آن‌ها را به نمایش می‌گذارد» (بروتون، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

۱-۸-۶- تقابل اندام (اندام فاخر، اندام پست):

«اندام و کارکردهای بدن انسان از یک جامعه به جامعه دیگر، حاصل بازنمایی‌ها و ارزش‌های متفاوتی هستند. گاه حتا در یک جامعه این بازنمایی‌ها و ارزش‌ها بنا بر طبقات اجتماعی تغییر می‌کند» (همان: ۱۰۳). در *کوش‌نامه*، چهره و روی، بیش‌ترین تکرار و بسامد را دارد و بالاترین ارزش‌ها را در خود گرد می‌آورد. در چهره، احساس هویت تبلور می‌یابد، بازشناسی دیگری انجام می‌گیرد، قابلیت‌های جذابیت تثبیت می‌شود، جنس خود را می‌نمایاند و در این میان، زیبارویی و زشت‌رویی در کنش‌های متقابل فرد و جامعه نقش تعیین‌کننده دارد. هم‌چنین، دست، از اندام‌های فاخر محسوب می‌شود که با بررسی نمادشناسانه آن در همین مقاله، اهمیت آن در *کوش‌نامه* روشن خواهد شد. از اندام‌های پست در *کوش‌نامه* می‌توان به پا اشاره کرد. پاها علاوه بر این‌که پایین‌ترین عضو بدن انسان‌اند، در متون حماسی به بند کشیده می‌شوند و بند و ننگ برای پهلوان یکی است.

۱-۸-۷- تقابل دست راست و دست چپ:

برتری دست راست نسبت به دست چپ در اغلب فرهنگ‌ها مشهود است. منظومه *کوش‌نامه* نیز این قاعده را رعایت می‌کند؛ آن‌جا که ادای سوگند تنها با دست راست معتبر است:

فرستاده را داد شه دست راست بیستش به سوگند از آن‌سان که خواست

(*کوش‌نامه*، ۱۳۷۷: ۴۱۸)

۱-۹- آداب و رسوم بدنی (بدن و ارتباط غیرکلامی)

ادها در بدن شامل استفاده از بدن در برخورد میان کنش‌گران اجتماعی می‌شوند: مناسک سلام‌دهی یا خداحافظی، حرکات پذیرفتن یا رد کردن، حرکات صورت و بدن که



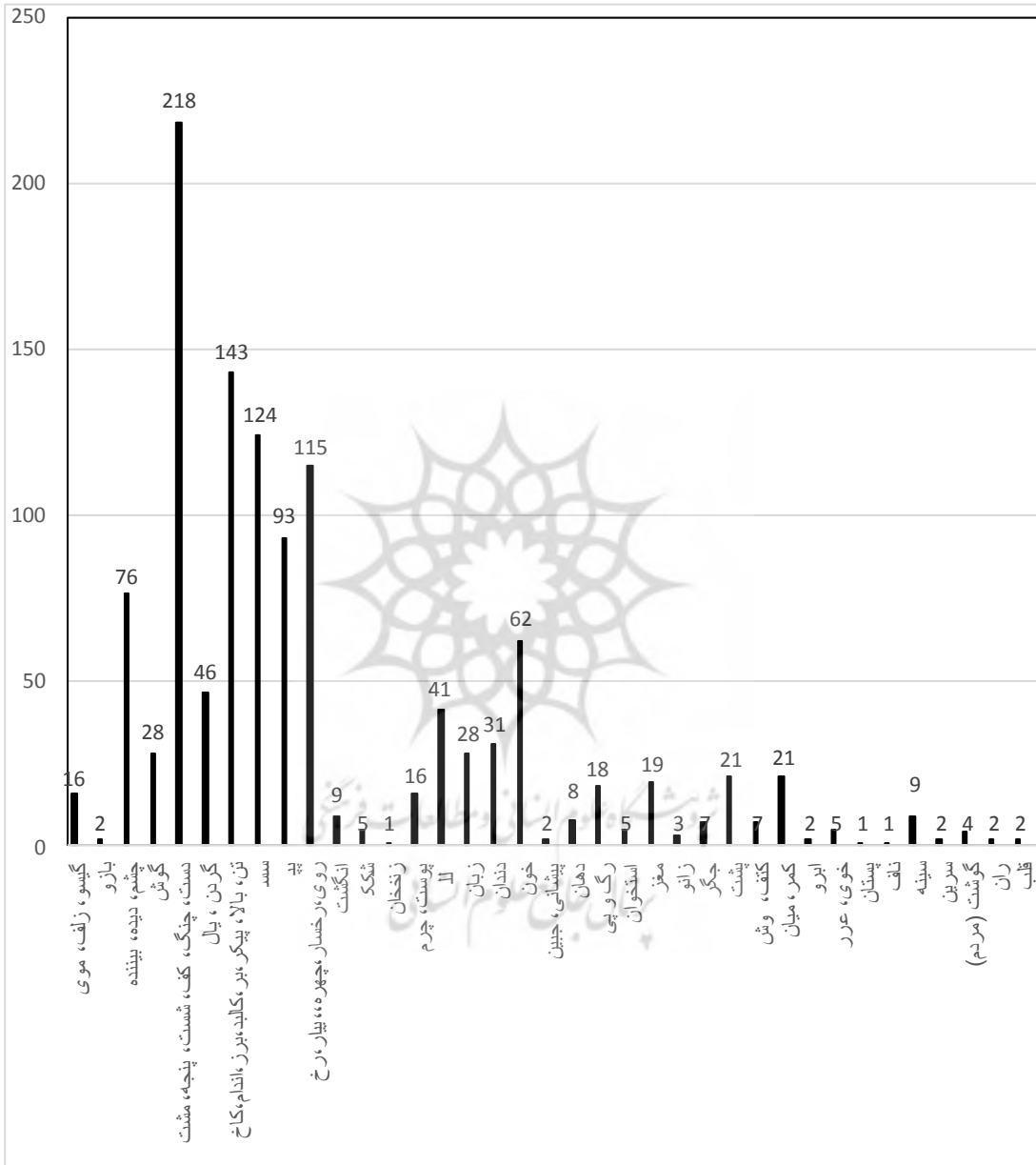
سخن گفتن را همراهی می‌کنند، جهت نگاه، تغییر فاصله‌ای که کنش‌گران را از هم جدا می‌کند، شیوه‌های لمس کردن یا پرهیز از تماس با یک‌دیگر و غیره (بروتون، ۱۳۹۲: ۶۷).

۱-۹-۱- سلام‌دهی، ادای احترام و بوسه:

مناسک بدنی احترام گذاشتن در تمام طول زندگی رایج کنش‌گران وجود دارند. این مناسک از هر جامعه به جامعه دیگر متفاوتند و نسبت به این که افراد در کدام گروه و طبقه اجتماعی باشند با یک‌دیگر اختلاف دارند. شیوه‌های سلام کردن، فاصله‌ای که هرکس با دیگری بنا بر رده یا موقعیت اجتماعی او با او می‌گیرد، این که آیا می‌تواند لمسش کند یا نه، متفاوتند (همان: ۷۶). در کوش‌نامه نیز، ادای احترام تحت‌الشعاع بدن طبقاتی قرار گرفته است که در بخش تقابل‌های بدنی از آن سخن رفت؛ به گونه‌ای که در آستان شاه «دست در کش» ایستادن نشانه احترام و بوسه بر پایه تخت و سُم اسب و زمین زیر پای او، عرض ارادت است.

۱-۹-۲- ادای سوگند:

در کوش‌نامه سوگند یاد کردن، تنها با فشردن دست طرفین انجام می‌پذیرد، نمونه را: به سوگند هردو پساییم دست که هرگز نباشیم ایرج‌پرست (کوش‌نامه، ۱۳۷۷: ۶۴۰)



نمودار بسامد اعضای بدن در کوش نامه



۲- بررسی اعضای بدن در کوش‌نامه با روی‌کرد نمادشناسی

۲-۱- سر

به‌طور کلی نماد اصل فعال است و شامل نیروی حکومت کردن، فرمان دادن و توضیح دادن است. سر انسان با شکل کروی‌اش قابل‌قیاس با جهان است و عالم اصغر است (شوالیه و گربان، ۱۳۸۵: ۱۳ / ۵۶۳). کوش‌نامه سر انسان را از دو جهت قابل‌اهمیت می‌داند؛ یکی آن‌که همانند دیگر هم‌تایان حماسی‌اش سر دشمن برابر با زندگی اوست و جدا کردن سر و آوردن آن نزد سپاه خودی نشانه‌ پیروزی کامل و اطمینان از مرگ اوست. اما تمایز دیدگاه کوش‌نامه با اغلب متون پیش از خود، در مورد کارکرد دوم سر است. اکثر متون کلاسیک قلب و دل را نه‌تنها مرکز عواطف که محل تفکر و دانش می‌پنداشتند. در کوش‌نامه جای‌گاه مغز در سر و محل دانش‌اندوزی است و دل مرکز عواطف:

بدین سر همه دانش آموز و بس که جز دانش نیست فریادرس
 که سرمایه‌ مرد دانش بود دل دانشی پر ز رامشش بود
 (کوش‌نامه، ۱۳۷۷: ۱۴۷)

۲-۲- چشم

اندام حس بینایی و به تقریب در سراسر جهان نماد نیروی دراکه است. یکی از دو چشم عشق است و دیگری عمل‌کرد اندیشه دارد. اصطلاح چشم دل در واقع اندام درون‌بینی است. چشم در ارتباط با مفهوم خرد و جهان است. چشم دل از آن‌سانی است که به لقاءالله رسیده و خداوند نیز او را ملاقات می‌کند. چشم با آتش ارتباط دارد و در پیوند با کشف و شهود است (شوالیه و گربان، ۱۳۸۵: ۱۲ / ۵۱۲-۵۱۴) و این نکته در مورد کوش‌نامه قابل‌تأمل است، چراکه کم‌تر اثر حماسی‌ای وجود دارد که قهرمان آن توسط مراقبه و کشف و شهود به مرحله‌ تولد دوباره برسد:

چو بگشایی از دل دو بیننده را
 تو آفریننده را
 (کوش‌نامه، ۱۳۷۷: ۶۶۸)

۲-۳- گوش

نمادگرایی خاص که برای گوش در نظر گرفته شده، در ارتباط با اسطوره‌ آگنی و مظهر هوش کیهانی است. در چین، نمادگرایی خاصی برای گوشِ دراز وجود دارد که به فرزاندگی و جاودانگی مربوط می‌شود. در بعضی فرهنگ‌ها گوش یک نماد مضاعف جنسی است (شوالیه و گربان، ۱۳۸۵: ۴ / ۷۸۱). نمادشناسی گوش برای قهرمان کوش‌نامه دارای اهمیت ویژه‌ای است. او دارای گوش‌های بلند و پهن است، تمایلات جنسی غیرقابل‌مهار دارد، بر

سرزمین چین حکومت می‌کند، تدابیر جنگی‌ای که به‌کار می‌برد نشان از هوش بالای اوست، توسط پیر فرزانه به مرحله خودشناسی و خدانشناسی می‌رسد و در انتهای داستان خبری از مرگ و پایان زندگی او نیست و گویی به جاودانان پیوسته است.

۲-۴- دندان

در ارتباط با مفهوم خرد و جهان است. دندان‌های پیش نشانه شهرت و نام هستند. دندان ایزاری است برای تملک‌جویی (شوالیه و گبران، ۱۳۸۵: ۳/ ۲۵۰). دندان نیز مانند گوش شاخصه چهره قهرمان کوش‌نامه است. او دارای دندان‌هایی است از بزرگی «به‌سان درخت». مطابق با نمادشناسی دندان، کوش پیل‌دندان نیز شهوت سیری‌ناپذیری جهت کسب شهرت و نام دارد، در نبردها خردورزی می‌کند و تمام زندگی‌اش صرف جنگ و تصرف سرزمین‌های مختلف سپری می‌شود.

۲-۵- دست

دست بیان‌گر مفاهیم فعالیت و در عین حال نشان‌گر قدرت و استیلا است. در چین، دست راست نماد عمل حکیمانه است و دست چپ در ارتباط با بی‌عملی (شوالیه و گبران، ۱۳۸۵: ۳/ ۲۲۰). بسامد بالای واژه دست و مشتقات آن از جمله «دستور» در کوش‌نامه دلیل بر اهمیت نمادشناسی این عضو بدن در کوش‌نامه است. هم‌چنین تقدم دست راست بر دست چپ، به‌ویژه در ادای سوگند، که ذکر آن رفت، این مهم را تأیید می‌کند.

نتیجه‌گیری

۱. پیل‌دندان فردی زشت‌روی و قهرمانی آشوب‌گر است؛ تنها هنگامی اصلاح می‌پذیرد که از دنیای دغدغه‌های جسمانی به جهان بی‌تعلقی روحانی سفر می‌کند؛ ۲. چهره از مهم‌ترین اعضای بدن است و کوش دائم در حال مبارزه با زشت‌روی خویشتن است. در چهره، احساس هویت تبلور می‌یابد، بازشناسی دیگری انجام می‌گیرد، قابلیت‌های جذابیت تثبیت می‌شود، جنس خود را می‌نمایاند و در این میان، زیبارویی و زشت‌روی در کنش‌های متقابل فرد و جامعه نقش تعیین‌کننده دارد. رهایی از چهره زشت و اصلاح آن توسط پیر فرزانه، یکی از مراحل مهم اصلاح خوی بد وی است؛ ۳. گوش و دندان که در کوش‌نامه بسامدی بیش‌تر دارند و از ویژگی‌های بارز ظاهری کوش محسوب می‌شوند نماد هوش و اندیشه و عقل‌اند. محوریت خرد نیز در سراسر کوش‌نامه به چشم می‌خورد. اما در انتها و با گذر به مرحله عرفان، هم‌زمان، گوش و دندان کوش نیز به‌دست پیر فرزانه کوتاه



می‌شود. کوتاه شدن گوش و دندان قهرمان داستان، به طور نمادین، پایین رفتن مقام خرد زمینی در برابر اندیشه عرفانی را متذکر می‌شود؛ ۴. بر اساس بررسی نمادشناسی، گوش دراز نماد جاودانگی و عمر طولانی است. در پایان *کوش‌نامه* هم خبری از پایان زندگی و مرگ کوش وجود ندارد؛ ۵. تا پیش از آشنا شدن پیل‌دندان با پیر فرزانه و ورود به ساحت عرفانی منظومه، بدن در مرکز توجه قرار دارد و این نشان‌دهنده غالب بودن تفکر زمینی و خردورزی در مقابل خرد آسمانی و متافیزیک است. این امر نه به‌طور مطلق بل که به صورت نسبی در این منظومه آشکار است. پیر فرزانه راه‌هایی کوش را تحمل ریاضت‌های بدنی از جمله رژیم غذایی می‌داند؛ ۶. تقابل اندیشه بدنی و فرابدنی در منظومه *کوش‌نامه* را می‌توان در تاریخ فرهنگی و ادبی عصر نگارش اثر هم مشاهده کرد: عصری که اندیشه خیامی و غزالی در مقابل یک‌دیگر هستند و نیز در کنار تألیف کتاب‌های معتبر پزشکی و داروشناسی مانند *الابنیه عن حقایق الادویه*، خرافه و جادو کاربردی فراگیر در درمان بیماری‌ها دارند؛ ۷. در این منظومه، زشت‌رویی، ناهنجاری‌های بدنی، بدرفتاری‌های جسمی و جنسی، به خدمت گرفتن جادو، نژادپرستی و خودشیفتگی از آن ضحاکیان است و اصلاح چهره، زیبارویی، پزشکی و احترام به مقام زن، نوع‌دوستی، پرستش ایزد و توجه به روان و روح را ایرانیان انجام می‌دهند؛ ۸. محوریت تغذیه و اهمیت دادن به عادات غذایی در *کوش‌نامه* قابل توجه است. ۹. *کوش‌نامه* محل برخورد و تصادم بازمانده‌های گفتمان حاکم دوره پیشاسلامی با گفتمان دینی پس از ورود اسلام است؛ ۱۰. *کوش‌نامه* توجه از تن را به سمت روان، و در نتیجه، نوع ادبی را از حماسه به سوی عرفان متمایل می‌کند.

فهرست منابع

- آدلر، آلفرد. (۱۳۷۰). *روان‌شناسی فردی*، ترجمه حسن زمانی شرف‌شاهی، تهران: تصویر.
- آزاد ارمکی، تقی و چاوشیان، حسن. (۱۳۸۱). «بدن به مثابه رسانه هویت»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۴، شماره ۴، صص ۷۵-۵۷.
- اباذری، یوسف و حمیدی، نفیسه. (۱۳۸۷). «جامعه‌شناسی بدن و پاره‌ای مناقشات»، *پژوهش زنان*، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۸۷، صص ۱۶۰-۱۲۷.
- اخوت، احمد. (۱۳۸۸). *دو بدن شاه: تأملاتی درباره نشانه‌شناسی بدن و قدرت*، تهران: خجسته.
- ایرانشان بن ابی‌الخیر. (۱۳۷۷). *کوش نامه*، به کوشش جلال متینی، تهران: علمی.
- پترسن، آلن. (۱۳۸۹). *کندوکاوه‌های فرهنگی، اجتماعی بدن*، ترجمه بهمن ابراهیمی، تهران: الماس دانش.
- ذکایی، محمدسعید و مریم امن‌پور. (۱۳۹۱). *درآمدی بر تاریخ فرهنگی بدن در ایران*، تهران: تیسرا.
- شفره، راونا. (۱۳۹۳). *۱۰۰۰ نماد: در هنر و اسطوره شکل به چه معناست*، ترجمه آزاده بیداربخت و نسترن لواسانی، تهران: نشر نی.
- شوالیه، ژان و گربران، آلن. (۱۳۸۵). *فرهنگ نمادها*، ترجمه سودابه فضایی، تهران: جیحون.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۱). *تاریخ ادبیات ایران*، تهران: ققنوس.
- کارمن، تیلور. (۱۳۹۰). *مرلو-پونتی*، ترجمه مسعود علیا، تهران: ققنوس.
- کمبل، جوزف. (۱۳۸۶). *قهرمان هزارچهره*، ترجمه شادی خسروپناه، مشهد: گل آفتاب.
- لو بروتون، داوید. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی بدن*، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: ثالث.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۶۶). *ادبیات داستانی*، تهران: شفا.
- نجفی ابرندآبادی، حسین و بادامچی، حسین. (۱۳۸۳). *تاریخ حقوق کیفری بین-النهرین*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانش‌گاه‌ها (سمت).
- همتی‌مقدم، احمدرضا. (۱۳۸۵). «فلسفه پزشکی»، *مجله قبسات*، شماره ۳۹ و ۴۰، صص ۳۶۵-۳۵۰.



- یزدخواستی، بهجت و ربانی، علی و اخلاصی، ابراهیم. (۱۳۸۷). «مفهوم بدن در اندیشه فلسفی مرلو پونتی و چالش‌های نظری در قرائت جامعه‌شناختی آن»، *معرفت*، شماره ۱۲۶، خردادماه، صص ۱۷-۲۹.
- یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز. (۱۳۹۳). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- یوسفی، هادی و مدبری، محمود و صرفی، محمدرضا و طالبیان، یحیی. (۱۳۸۶). «ضد قهرمان در شاهنامه و منظومه‌های پهلوانی ایران»، *پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)*، شماره ۴، زمستان، صص ۳۹-۶۰.
- Gerreg, R.J. (1993). *Experiencing Narrative Worlds*, On the Psychological Activities of Reading, New Haven: Yale University Press.
- J. A. Cuddon. (2013). *A Dictionary of Literary Terms and Literary Theory*, Blackwell Publication, Fifth Edition.
- M. H. Abrams. (1971). *A Glossary of Literary Terms*, Holt Rine Hard Winston, Third Edition.
- Rank, Otto. (1959). *The Myth of the Birth of the Hero*, New York: Random House.